



دکتر لقمان بایمیت اف  
تاجیکستان

چکیده:

در سال ۱۳۶۵ میلادی در نزدیکی تاشکند در ساحل رودخانه چرچیق میان مغولان شرق و غرب جنگی رخ داد که در تاریخ با نام «جنگ لای» مشهور شده است. هنگام جنگ باران سیل آسا جاری شد که بر اثر آن آب و گل فراوان به وجود آمد. به دلیل عدم توافق، امپراتور لشکر غرب (تیمور و مسین) از دشمن شرقی شکست خورد و به جانب جیحون فرار کردند و شهر سمرقند را به حال خود گذاشته، راه مغولان شرق برای مارش باز شد. نویسنده بر اساس اسناد و اطلاعات تاریخی سعی کرده است تا تاریخ این جنگ را مورد بررسی و تحقیق همه جانبه قرار دهد.

## «جنگ لای» و جایگاه آن در تاریخ آسیای مرکزی

[۱] - تحلیل منابع

یکی از مهمترین وقایع سیاسی - نظامی عهد مغول در ماوراءالنهر «جنگ لای» است که در سال ۷۶۲ ه. / ۱۳۶۵ م. به وقوع پیوست. متأسفانه تا به حال، راجع به این واقعه، تحقیقات قابل توجه و چشمگیری انجام نشده است. حتی مستشرق نامدار شوروی «اکادیمسین و.و. بارتولد» به این واقعه، توجه لازم نداشته و در مقاله «نهضت مردمی در سمرقند در سال ۷۶۲ ه. / ۱۳۶۵ م.» که تاریخ نهضت سربداران سمرقند را تحلیل و بررسی کرده؛ جنگ لای از نظر او دور مانده است. حال آن که بدون بررسی تاریخ جنگ لای، تاریخ سمرقند را نمی توان به طریق همه جانبه ای تحقیق نمود.<sup>۱</sup> محققانی مانند آ.یو یا کوباوسکی؛ آ.م. بلینسکی؛ ل.و. استریوا و ... که بعد از و.

۱- رک.

Bartol'd V. V. nardnoe dvidzenie v samarkande - Bartol'd V. V. sochineniya. T. II.

Chast, II, Moskva, 1964, s. 362 - 345.

بارتولد راجع به تاریخ سرداران سمرقند نوشته‌اند، از جنگ لای به عنوان حادثه معمولی نظامی یاد کرده<sup>۱</sup> و در زمینه تاریخی و پی آمدهای این جنگ سخنی نگفته‌اند. تنها «باباجان غفوراف» در کتاب خود با عنوان تاجیکان از نبرد لای به عنوان حادثه‌ای مهم یاد کرده است.<sup>۲</sup>

نوشته‌های دیگر محققان شوروی - در مورد جنگ لای - در حقیقت به نحوی تکرار نظر باباجان غفوراف است. از این روی در این تألیف از نقد مفصل این‌گونه تحقیقات خودداری می‌شود.

بررسی تاریخی «جنگ لای» از چند جهت مهم به نظر می‌رسد. اولاً، این حادثه با فعالیت امیر تیمور گورکانی و امیر حسین و امرای ماوراءالنهر با مغولان مغولستان ارتباط دارد. دیگر این‌که، جنگ لای باعث شدت یافتن شورش سرداران در سمرقند گردید. علاوه بر این جنگ لای از نظر تاریخ پیشرفت نظامی و تاکتیکهای نظامی نیز مهم به نظر می‌رسد.

چنان‌که اشاره شد از میان محققان، باباجان غفوراف به تاریخ جنگ لای، نسبتاً بهتر و کاملتر پرداخته است و بیان آن در ترجمه تاجیکی این‌گونه آمده است:

«در سال ۷۶۲ ه. / ۱۳۶۵ م. امیر حسین و تیمور، لشکریان را جمع نموده و در ساحل رودخانه چرچیق، با لشکر دشمن روبه‌رو شدند. جنگی که در این مکان روی داد به نام «جنگ گلی» مشهور است، زیرا در هنگام نبرد، به علت باران شدید و راه افتادن سیل، لشکریان قدرت خود را از دست داده، اسبها نیز در گِل و لای لغزیده و بر زمین می‌افتادند. سمرقند و شهر سبز را به حال خود باقی گذاشته و به سوی بلخ فرار کردند. لشکریان مغول، الیاس خواجه، بلافاصله به سمرقند روانه شدند. اهالی شهر همه آشفته و حیران شدند و از کار و زندگی خود، به کلی فراموش کردند. زیرا قدرت نبرد مردم سمرقند نیز، به علت فرار امیرحسین و تیمور، از بین رفته و دچار نوعی وحشت

۱- اندیشه‌های محققان مزبور راجع به جنگ لای در کتب تاریخ کئی مردمان آسیای مرکزی (تاریخ مردمان ازبکستان، تاریخ ازبکستان، تاریخ مردم تاجیک، تاریخ سمرقند، تاریخ بخارا و ...) بیان شده، ولی هیچ‌یک از آنها در مورد تاریخ جنگ لای، تحقیقات تخصصی ارائه نکرده‌اند.

۲- رک. ب-ع غفوروف، تاجیکان، کتاب یکم، نشریان عرفان، دوشنبه، ۱۹۸۳، ص ۶۴۰ (به زبان تاجیکی و به خط سیریلیک).

شده بودند.<sup>۱</sup>



علاوه بر این، ترجمه تاجیکی آن نیز اشکالات و ابهاماتی دارد. از جمله، عنوان «جنگ لای» را مترجم «جنگ گلی» آورده است؛ حال آن که خواهیم دید کلیه مورخان و نویسندگان قدیم از قبیل نظام الدین شامی، شرف الدین علی یزدی، حافظ ابرو، عبدالرزاق سمرقندی و دیگران، آن را «جنگ لای» ذکر کرده‌اند.

از نظر تاریخ و زبان محلی آن زمان «جنگ لای» درست می‌باشد. از گفته‌های باباجان غفوراف، اصل واقعه و جایگاه آن در تاریخ آن روزگار چندان روشن نیست.

از تحقیقات جدید راجع به تاریخ جنگ لای مقاله «سربداران سمرقند» را می‌توان نام برد. مؤلف ارتباط جنگ لای و نهضت سربداران را در نظر گرفته و چنین می‌نویسد: «چنان‌که مشاهده شد، در جنگ «لای» هر دو گروه اشراف ترک و مغول شرکت

داشتند، ولی مردم بومی یعنی کشاورزان و شهرنشینان در جنگ شرکت نکردند. این جنگ، از یک سو با حمله مجدد مغولان کاشغر برای تصرف ماوراءالنهر و از سوی دیگر جنگ و تلاشهای امیرحسین و تیمور برای استوار کردن حکومت خویش بود. امیرحسین و تیمور می‌خواستند، الیاس خواجه مغول را به طور قطعی شکست داده، سرانجام ولایات ماوراءالنهر را تابع حکومت خویش گردانند. بار دیگر الیاس خواجه مجدداً به ماراءالنهر لشکر کشید و قصد داشت امیرحسین و تیمور را که دشمنان خطرناک او محسوب می‌شدند، از صحنه بردارد و مُلک «چفتایان» را در ماوراءالنهر به دست بیاورد و چنان‌که اشاره شد این جنگ طول نکشید و با وجود موفقیت‌های موقتی، تیمور در این جنگ بر اثر خیانت امیرحسین و چند از امراء و فرماندهان چفتایی ماوراءالنهر، خواجه الیاس بر دشمنانش پیروز شد و با سرعت به جانب سمرقند که در آن ایام پایتخت جدید امیرحسین و تیمور بود، حرکت نمود.

در نتیجه جنگ لای، برگسترش «نهضت سربداران» سمرقند تأثیر گذاشت. فرار امیرحسین و تیمور به بلخ نیز باعث فعالیت‌تر شدن رهبران نهضت در سمرقند گردید و بر

۱- همان کتاب، همان صفحه.

این اساس می‌توان گفت که نتیجه جنگ لای مقدمه نهضت سرداران سمرقند گردید.<sup>۱</sup> چنان‌که دیده می‌شود، این نوشته‌ها هم در مورد جنگ لای کامل و دقیق نیستند. قبل از شرح تاریخ جنگ لای، بررسی منابع اول، مهم به نظر می‌رسد. در تحقیق جنگ لای منابع دست اول را به دو گروه می‌توان تقسیم نمود.

### گروه اول - منابع مستقیم

این گروه از منابع که از لحاظ تاریخی به وقت ظهور واقعه نزدیک است، ولی به دلایل مختلف، حکایت آنها تغییر یافته است. خاطرات یادداشتها، نقل و روایات اشخاص تاریخی که شاهد و حتی شریک واقعه نیز بوده‌اند، از زمره منابع مستقیم می‌باشند که تقریباً اصل روایات آنها در دسترس نیست. بیان امیر تیمور و امیر حسین و ... که نامشان در منابع ذکر نشده است، از همین گونه منابع به حساب می‌روند.

البته سطح انعکاس حقایق حوادث در این منابع یکسان نیستند و با یکدیگر متفاوتند، زیرا هر یک از این شاهدان نسبت به واقعه، نگاهی خاص دارند؛ اما اطلاعات آنها به طور کلی، بعدها اساس نقل منابع خطی قرار گرفته‌اند و نیز به تدریج بر افکار و عقاید مؤلفان آثار خطی تأثیر گذاشتند، نمونه کامل این امر را در آثار تاریخی رسمی درباری می‌توان به خوبی مشاهده کرد.

### گروه دوم - منابع غیرمستقیم یعنی آثار خطی

تقریباً تمامی آثار خطی، تاریخ‌نامه‌ها، سیاحت‌نامه‌ها و ... که حوادث مورد نظر را به خوبی منعکس کرده‌اند، از مهمترین منابع غیرمستقیم محسوب می‌شوند. یکی از ویژگیهای این منابع در آن است که به شدت به منابع گروه اول وابسته می‌باشند. در مورد تاریخ جنگ لای و سرداران سمرقند این گونه منابع می‌توان گفت که همه منابع گروه دوم متأثر از اطلاعات منابع گروه اول است. اما در ضمن بیان حادثه، مؤلفان آثار خطی مسأله را از نگاه خویش تحریر کرده‌اند.

۱- لقمان بایماتف، سرداران سمرقند، بخش اول، کیهان فرهنگی، شماره ۱۴۵، شهریور ۱۳۷۷، صص

۲۵-۳۱؛ بخش (۲)، شماره ۱۴۶، مهر ۱۳۷۷، صص ۱۳-۱۵

پیوند این دو گروه منابع را در ذکر حوادث تاریخی به خوبی می توان مشاهده کرد و واقعه جنگ لای و نهضت سرداران از جمله آنهاست. جایگاه منابع گروه اول توسط همین منابع گروه دوم آشکار شده است. منابع گروه دوم نیز در جای خود از لحاظ صنایع ادبی به دو نوع مختلف تقسیم می شوند.

اما در مورد تاریخ جنگ لای و سرداران سمرقند، همه منابع گروه دوم را آثار تاریخی قرون ۱۰-۹هـ.ق/ ۱۶-۱۵م. تشکیل می دادند و انواع آنها را محققان ذکر کرده اند که تاریخ عمومی، تاریخ سلسله ها، تاریخ اشخاص بزرگ تاریخی و ... از انواع آثار تاریخی عهد تیمور هستند و راجع به تاریخ جنگ لای و سرداران سمرقند اطلاعاتی را به دست آورده اند که درباره اهمیت هر یک از آنها، جداگانه بر اساس ترتیب زمان و نگاشتن آثار، به طور مختصر به نقد و بررسی می پردازیم.

#### ظفرنامه نظام الدین شامی

ظفرنامه اثر مشهور و ماندگار تاریخ دوره تیموریان است که به قلم دانشمند فاضل و شاعر توانای ایرانی درباره تیمور و اقدامات او تحریر شده است. مؤلف که یکی از خادمان و عمال دربار تیموری و از شاهدان عینی وقایع به شمار می رود، به اشاره مخدوم خود و با قلمی روان و نثری شیوا، کتابی را تألیف نموده که هم مورد پسند عوام است و هم خواص را راضی می کند. این اثر حاصل مشاهدات و ملاحظات نظام الدین شامی و ارتباط مؤلف با دیوانیان دستگاه تیموری بوده است. از دوره های پیشین تا کنون هر مورخ که خواسته است در مقام تحقیق و تألیفی در این مقطع تاریخی برآید، به این اثر معتبر تاریخی مراجعه نموده و از آن در جهت اعتبار و ارزش تألیف خود، سود برده است.

نظام الدین شامی اولین مورخی است که در مورد جنگ لای و سرداران سمرقند، اطلاعاتی را آورده است.<sup>۱</sup> بیان حادثه جنگ لای، در این کتاب خیلی خوب آمده و خود مؤلف نیز، نسبت به این حادثه اظهار نظر کرده است. از اطلاعات مؤلف برمی آید که برای نوشتن تاریخ جنگ لای به منبع مستقیم دسترسی داشته است. بیان تاریخ جنگ

۱- نظام الدین شامی، ظفرنامه، جلد اول، (تاریخ فتوحات امیرگورکان)، تهران، ۱۳۶۳، صص ۲۸-۳۲.

لای که در ظفرنامه نظام‌الدین شامی آمده، نه تنها با نوشته‌های مورخان بعدی موافقت می‌کند، بلکه برای مورخان و نویسندگان بعدی، هم از لحاظ سبک نگارش و هم از لحاظ انتقال اسناد نمونه‌آسای شده است. نظام‌الدین شامی را در تاریخ‌نگاری جنگ لای می‌توان به عنوان پایه‌گذار رسمی و دولتی تیموریان معرفی کرد. تقریباً کل مورخان و نویسندگان بعدی، دیدگاه‌های نظام‌الدین شامی را در مورد جنگ لای قبول کرده‌اند. ظفرنامه نظام‌الدین علی یزدی با وجود آن که از لحاظ زمان نگارش به واقعه نزدیک است، ولی اطلاعاتش در مورد جنگ لای کامل نیست.

#### ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی

ظفرنامه، اثر مفصل تاریخی است که در قرون ۸ و ۹ هـ. به قلم شرف‌الدین علی یزدی نگاشته شده، مؤلف خیره‌آین اثر با نثری سلیس و گیرا حوادث را به صورتی تحلیل‌گونه به خواننده عرضه می‌دارد. مؤلف در نگارش اثر یاد شده، بیش از هر منبعی به سبک تاریخ جهانگشای جوینی نظر داشته و در تحریر مقدمه کتاب نیز، از جامع‌التواریخ بهره جسته است.

مورخ یزدی از مآخذ و منابع دیگری نیز استفاده برده که اغلب آثار و تألیفات مورخان عهد مغول را شامل می‌شود. تاریخ‌نگاران قرون بعدی مانند خواندمیر و میرخواند و... از ظفرنامه مدد جسته‌اند و مورخان معاصر نیز در تحقیقات مرتبط به دوره تیموری از رجوع به آن ناگزیرند.

یزدی، اولین مورخی است که درباره جنگ لای و قیام سربداران سمرقند به طور مفصل مطالبی را آورده و اخبار مورخ، نظام‌الدین شامی در مورد جنگ لای و قیام سربداران را کامل و مفصل نموده است.<sup>۱</sup> نوشته‌های شرف‌الدین علی یزدی برای مورخان دیگر راجع به این حادثه از منابع اصلی تلقی، محسوب می‌شود.

بیان تاریخ جنگ لای ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی زیر عنوان مخصوص آمده که این ویژگی را در ظفرنامه نظام‌الدین شامی نمی‌توان مشاهده کرد. یزدی در بیان خود

۱- شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه، جلد اول، به تصحیح و اهتمام محمد عباسی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۳۶، صص ۷۶-۸۳.

سعی کرده است اسامی امراء شرکت کننده در جنگ لای را کاملتر کند (به جدول مراجعه شود).

همچنین در نوشته‌های او، وضع لشکر الیاس خواجه در وقت جنگ خیلی مفصل و دقیق آورده شده است. جریان جنگ نیز در کتاب ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی به طور مفصل آمده و مورخان که بعد از او، تاریخ جنگ لای را نوشته‌اند، از قبیل حافظ ابرو، عبدالرزاق سمرقندی و میرخواند، تقریباً به نحوی گفته‌های شرف‌الدین علی یزدی را تکرار کرده‌اند و در سبک نگارش این حادثه حتی تأثیر سبک مؤلف ظفرنامه خیلی روشن به نظر می‌رسد که درباره آن اشاره خواهد شد.

ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی، برای تحقیق تاریخ جنگ لای بی‌شک از مهمترین منابع اصلی محسوب می‌شود. شرف‌الدین علی یزدی را در تاریخ نگاری جنگ لای می‌توان به عنوان موفق‌ترین نویسنده و مبلغ افکار دولتی (تیموری) شناخت.

#### منتخب‌التواریخ معینی نطنزی

منتخب‌التواریخ تاریخ ملوک شبانکاره به سال ۸۱۷ هـ ق توسط معین‌الدین نطنزی تحریر شده است و با آن که تاریخی عمومی محسوب می‌گردد، اما بیشترین اطلاعات آن راجع به دوران چنگیزی و تیموری بوده، و حوادث را از هبوط آدم تا مرگ تیمور به صورتی مختصر بیان داشته است.

علاوه بر بهره‌گیری از آثار تألیفات مورخان دوره مغول، دیگر منابع مورد استفاده نطنزی بر ما پوشیده است. اثر ذکر شده، از باب تحقیق و تفحص و فراگیری تاریخ چغتایان و قیام سریداران در زمره تألیفات، مطرح بوده و احتمال دارد که مؤلف نیز در جریان بعضی از حوادث بوده است. تنها بیان تاریخ سریداران و تاریخ جنگ لای در کتاب نطنزی از منابع بسیار مهم است.<sup>۱</sup> نوشته‌های این مورخ با نظام‌الدین شامی، شرف‌الدین علی یزدی و مورخان بعدی که درباره جنگ لای

۱- معین‌الدین نطنزی، منتخب‌التواریخ، تصحیح ژان اربن، کتاب‌فروشی خیام، تهران، ۱۳۳۶، صص

و سرداران نوشته‌اند، در بسیاری از موارد موافقت می‌کند و تفاوت چندان مهمی در املاهای اسامی امرا به‌نظر نمی‌رسد (به جدول مراجعه شود). جریان جنگ در کتاب نطنزی مختصرتر آمده و اطلاعات مهم نیز ذکر نشده است. چنان‌که راجع به تعداد کشته شدگان در جنگ لای، حرف معینی نیاورده است. به‌نظر چنین می‌رسد که مؤلف منتخب‌التواریخ در بیان تاریخ جنگ لای و قیام سرداران از منابع رسمی و غیر رسمی زمانش استفاده کرده است. تفاوت نسبتاً جدی در بیانات نطنزی و شرف‌الدین علی یزدی در ذکر نهضت سرداران سمرقند واضح‌تر است (به جدول مراجعه شود).

یکی از ویژگی‌های بیانات نطنزی راجع به جنگ لای در آن است که مؤلف سعی کرده است تا علل هجوم الیاس خواجه را به ماوراءالنهر بررسی نماید.<sup>۱</sup> جریان جنگ در کتاب منتخب‌التواریخ همان‌گونه که نظام‌الدین شامی و شرف‌الدین علی یزدی تصویر کرده‌اند، آمده است. تنها، در تعداد قشون امیر تیمور - که بعد از شکست خوردن در جنگ برای تصرف سمرقند فرستاده بود - تفاوت دیده می‌شود (نگاه کنید به جدول).

#### زبدة‌التواریخ حافظ ابرو

و. و. بارتولد اهمیت کتاب مطلع‌السعدین را در تحقیق تاریخ سرداران سمرقند تحلیل نموده، متون آن را با منتخب‌التواریخ نطنزی مقایسه کرده و نتیجه می‌گیرد که صاحب مطلع‌السعدین در نوشته‌های خود به احتمال قوی از کتاب زبدة‌التواریخ استفاده کرده است؛<sup>۲</sup> اما او افسوس می‌خورد، زیرا نسخه‌های خطی کتاب زبدة‌التواریخ که در کتابخانه‌های مختلف روسیه و اروپا دیده است، حکایت تاریخ سرداران سمرقند را نداشته‌اند، هرچند که او آشکار می‌کند که یکی از فهرستهای زبدة‌التواریخ، حکایت سرداران سمرقند را با این عنوان آورده است:

۱- ذکر مولانا زاده بخارایی ۲- ذکر مراجعت امرحسین و امیر صاحبقران به

۱- همان مأخذ، ص ۲۲۲.

2. Bartold V. V. narodnoe dvidzenie v samarkande v 1365 g., s. 364-369.



ماوراءالنهر و کشته شدن سرداران سمرقند.<sup>۱</sup>

اما خود حکایت در متن نبوده و باوجود این نارساییها، بار تولد در مورد وابستگی منابع تاریخی، از جمله رابطه بین مطلع السعدین و زبدة التواریخ به نتیجه درستی رسیده و می‌گوید که مؤلف مطلع السعدین کلیه اطلاعات را از حافظ ابرو گرفته است.

ذکر تاریخ جنگ لای و تاریخ سرداران سمرقند از یک نسخه خطی زبدة التواریخ که اکنون در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران که زیر شماره (۴۲۰۴) محفوظ است به دست آمد<sup>۲</sup> و تحلیل و مقایسه این متن با متن مطلع السعدین نشان داد که عبدالرزاق سمرقندی در حقیقت کل اطلاعات راجع به تاریخ جنگ لای و سرداران را از زبدة التواریخ گرفته است. تحلیل اطلاعات حافظ ابرو در مورد تاریخ نهضت سرداران سمرقند یک مسأله جداگانه‌ای است و در مورد ذکر تاریخ جنگ لای در زبدة التواریخ، می‌توان گفت که مؤلف در نوشته‌های خود اساساً به اطلاعات ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی تکیه کرده است و یا خود حافظ ابرو از همان منبع رسمی درباره تیمور که شرف‌الدین علی یزدی در نوشته‌هایش استفاده کرده، بهره برده است. سبک و نگارش حافظ ابرو در بیان واقعه جنگ لای به سبک شرف‌الدین علی یزدی شباهت دارد ولی در بعضی موارد حکایت خود را مختصر کرده است.

#### مطلع السعدین و مجمع البحرین عبدالرزاق سمرقندی و منابع دیگر

کتاب مذکور به قلم مورخ نامی عبدالرزاق سمرقندی در قرن نهم تألیف یافته است. این اثر چنان که از نام آن برمی‌آید؛ در برگزیده وقایعی است که بین ابوسعید بهادری - آخرین ایلیخان مغول - و ابوسعید گورکانی - آخرین پادشاه تیموری - اتفاق افتاده است. منابع و مأخذ عبدالرزاق در آفرینش اثر خود، علاوه بر زبدة التواریخ اثر حافظ ابرو - که این مورخ بیش از هر کتاب دیگری به آن نظر و عنایت داشته - مشاهدات و مسموعات و ارتباط و اتصال او با دستگاه تیموری بوده است. این تألیف ارزشمند از

۱- همان مأخذ، ص ۳۶۸، (مأخذ شماره ۴۰)

۲- حافظ ابرو، زبدة التواریخ، نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره ۴۲۰۴۴، ج ۳، بخش ۳، برگهای ۲۱۸-۲۲۱.

جمله منابع عهد تیموریان بوده که در آن به تاریخ جنگ لای و قیام سرداران به تفصیل پرداخته شده است.<sup>۱</sup>

چنان که ذکر شد، بیان تاریخی جنگ لای و سرداران سمرقند بر طبق زبده‌التواریخ حافظ ابرو نوشته شده، و تقریباً کلمه به کلمه رونویسی گردیده و از حیث دیدگاه شخصی، نظر او شبیه حافظ ابروست. این اثر نیز همراه با زبده‌التواریخ برای مورخان بعدی از منابع اصلی شده است.

### روضه‌الصفای میرخواند

مورخ مشهور، میرخواند - خاوندشاه - در اثر خود، تاریخ جنگ لای و قیام سرداران سمرقند را آورده و بیاناتش در تبیین حوادث مذکور، اساساً بر اطلاعات آثار تاریخی از قبیل ظفرنامه نظام‌الدین شامی و ظفرنامه یزدی مبتنی می‌باشد. این تأثیرات، تا حد اسلوب و نگارش واقعه پیش رفته و به طور کلی سند تازه‌ای بر اطلاعات پیشین نیفزوده و به تکرار آن مطالب اکتفا ورزیده است.<sup>۲</sup>

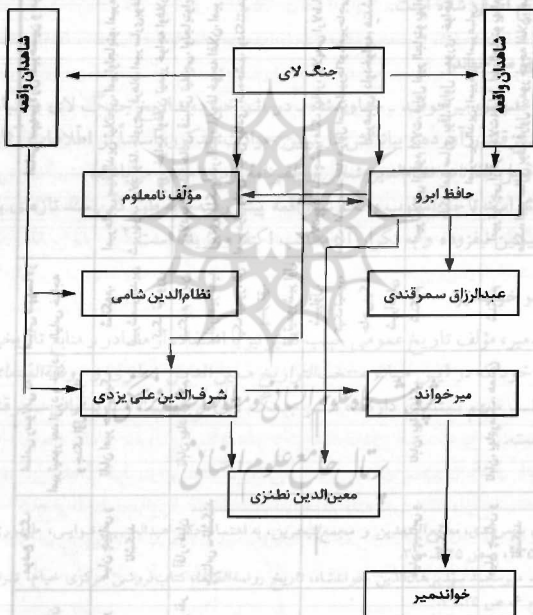
### حبیب‌السیر خواندمیر

خواندمیر، مؤلف تاریخ عمومی حبیب‌السیر نیز با استفاده از مصادر و منابع تاریخی مهم زمانه خود که در این میان منتخب‌التواریخ معین‌الدین نطنزی و روضه‌الصفای میرخواند سهم بیشتری دارند، ذکر جنگ لای و نهضت سرداران سمرقند پرداخته است.<sup>۳</sup>

- ۱- عبدالرزاق سمرقندی، مطلع‌السعدین و مجمع‌البحرین، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی، طهوری، تهران، ۱۳۵۳، صص ۳۴۵-۳۵۰.
- ۲- میرخواند، میرمحمد سیدبرهان‌الدین خواندشاه، تاریخ روضه‌الصفای، کتاب‌فروشی مرکزی خیام، تهران، ۱۳۳۹، ج ۶، صص ۳۵-۳۱.
- ۳- خواندمیر، حبیب‌السیر، انتشارات خیام، تهران، ۱۳۳۸، ج ۳، صص ۴۰۴-۴۰۶؛ مورخ خواندمیر بیان تاریخ جنگ لای را خیلی مختصر آورده و کل اطلاعاتش بر اساس نوشته‌های مورخان و نویسندگان پیشین است. به این لحاظ از ارجاع دادن به نوشته‌های او خودداری شد.

اطلاعات موزعان و نویسندگان عهد تیمور	اسامی سپهسالاران امیر حسین و امیر تیمور	اسامی سپهسالار الیاس خواجه	اسامی رسولانی که امیر تیمور بعد از زد و خورد و جنگ اول فرستاد	موضع جنگ	تعداد کشته‌شمارگان
نظام‌الدین شامی	امیر حاجی سیف‌الدین تیلچلی، امیر اولجاایتو، امیر مراد، امیر عباسی بجادی، شیر بهرام، یولاد یوغا، چاورچی فرهاد، امیر ساری یوغا، آنده حشم، مراد امیر تیمور خواجه اولخان، تیمور خواجه اولخان، امیر چاکو	شاهنوم، امیر شمس‌الدین کبک تیموری	تابان، امیر حاجی بیگ	میان چیتاسی و تاشکند	ده هزار نفر
شرف‌الدین علی یزادی	یولاد یوغا، ملک‌حمادی، قنبلش تیلچلی، اولجاایتو یزادی، شیر بهرام فرهاد ایرادی، ملک بهادر، امیر ساریوغا خواجه افغان، امیر چاکو، امیر سیف‌الدین، امیر مراد ایرادی، عباسی بهادی، آنده حشم، اودنکت تیمور، داود خواجه هندشاه	شاهنوم، یولان، برادر امیر حمید کبک تیمور، آغ پسر قق، تق تیمور شیر اول	تابان، بهادر، ملک	آقار، میان چیتاسی - تاشکند	قریب ده هزار نفر
مصطفی‌الدین	یولاد یوغا، آنده حشم، ملک بهادر، تیلچلی اولجاایتو، بهرام، فرهاد، ملک، امیر مراد، بنا، مراد امیر، امیر چاکو، امیر حاجی سیف‌الدین، امیر موید، امیر عباسی، داود خواجه، هندشاه	شیر اول، کبک تیمور، حاجی بیگ، شایر اولی	—	—	—
حافظ ابرو	امیر تیلچلی از قوم اولات، قراول امیر اولجاایتو بهرام، فولار قابوقا فرهاد و ملک، امیر ساری یوغا، قراول تیموری، خواجه افغان، امیر چاکو، امیر سیف‌الدین، امیر مراد، امیر عباسی، زنده حشم	شاهنوم	تابان، بهادر، ملک	میان چیتاسی و تاشکند	—
صدیق‌الرزاق سمرقندی	امیر تیلچلی از قوم اولات، قراول امیر اولجاایتو بهرام، فولار قابوقا فرهاد و ملک، امیر ساری یوغا، قراول تیمور، خواجه افغان، امیر چاکو، امیر سیف‌الدین، امیر مراد، امیر عباسی، زنده حشم	شاهنوم	تابان، بهادر، ملک، همدی	میان چیتاسی و تاشکند	—

تحلیل اطلاعات و طبقه‌بندی آن نشان می‌دهد که آثار مورخان: نظام‌الدین شامی، شرف‌الدین علی یزدی، معین‌الدین نطنزی و حافظ ابرو از مهمترین منابع در تحقیق تاریخ جنگ لای بوده است و وابستگی اطلاعات دست اول را راجع به جنگ لای با نمودار زیر می‌توان نشان داد:



در بهار سال ۷۶۱ هـ. / ۱۳۶۵ م. آسایش نسبی ماوراءالنهر مجدداً در نتیجه حمله جته (مغولان کاشغر) تبدیل به بحران نظامی و سیاسی شد. الیاس خواجه - خان مغولهای کاشغر - برای تصرف کردن ماوراءالنهر همراه با لشکر بسیار به جانب آب خجند حرکت نمود. چون این خبر به گوش امیر تیمور رسید، فوراً نامه‌ای برای امیرحسین فرستاد و او را از جریان حال آگاه کرد. امیرحسین دستور داد «پولادبوغا» و «زننده شمس» پسر محمد خواجه اپردی و «ملک بهادر»، سپاهیان را جمع آوری کرده و به سوی امیر تیمور روانه شوند. آنها به امیر تیمور ملحق شدند، سپس به اتفاق تیمور با لشکری عظیم رو به سوی دشمن نهادند. پس از چند روز از رودخانه خجند گذشتند و امیرحسین نیز با لشکری به دنبال آنها حرکت نمود و هنگامی که به کنار آب خجند رسیدند،<sup>۱</sup> از آن طرف نیز، لشکریان دشمن نزدیک شده بودند. امیر تیمور در میان چیناس<sup>۲</sup> موضع گرفت و تا رسیدن امیرحسین صبر کرد. پس امیرحسین از آب رود گذشت و به امیر تیمور ملحق شد. از طرف دیگر، سپاهیان دشمن نیز به کنار رودخانه رسیدند و در آنجا لشکرگاه ساختند. سپس هر کدام به تعبیه و آماده کردن لشکر خود پرداختند و صفها را آراستند. در جناح راست «امیرحسین» و در جانب چپ «تیبلیش تیلانچی» و در قلب «اولجا توی» «اپردی» و «شیربهرام» و «پولادبوغا» و «فرهاد اپردی» و «ملک بهادر» و دیگر امرا به سرکردگی امیر تیمور قرار گرفتند و در قلب لشکر نیز امیرساربوغا با قوم قبچاق موضع گرفتند و در ردیف اول تیمور خواجه اعلان تعیین شد، سپس جنگ آغاز گشت.<sup>۳</sup> جته در ناحیه چپ لشکر با آن که از لحاظ تعداد نفرات بسیار بود ولی با این حال شکست خورد. در این هنگام به ناگاه رعد و برقی از آسمان هویدا شد و به دنبال آن باران شدیدی شروع به

- ۱- نظام الدین شامی، ظفرنامه، ج ۱، ص ۲۸؛ شرف الدین علی یزدی، ظفرنامه، ج ۱، ص ۷۷؛ حافظ ابرو زبده التواریخ، برگ ۲۱۸؛ میرخواند، روضة الصفا، جلد ۶، ص ۳۱؛ عبدالرزاق سمرقندی، مطلع السعدین، ص ۳۲۶؛ معین الدین نطنزی، منتخب التواریخ، ص ۲۲۲.
- ۲- اکنون شهرکی است به نام چناز واقع در جنوب شرقی تاشکند.
- ۳- نظام الدین شامی، ظفرنامه، ج ۱، ص ۲۸؛ شرف الدین علی یزدی، ظفرنامه، ج ۱، ص ۷۸؛ حافظ ابرو زبده التواریخ، برگهای ۲۱۸-۲۱۹؛ عبدالرزاق سمرقندی، مطلع السعدین، صص ۳۲۷-۳۲۸؛ میرخواند، روضة الصفا، ص ۳۱؛ معین الدین نطنزی، منتخب التواریخ، ص ۲۲۳.

باریدن کرد که در تمام طول روز ادامه داشت. بر اثر باران شدید، میدان نبرد آغشته به گل ولای شد و در نتیجه دست و پای اسبها چنان در گل ولای فرورفت که باعث افتادن اسبها بر زمین شد. اما با این وجود لشکر امیر تیمور پیش می رفت و در مقابل، لشکریان الیاس خواجه پس از شکست اولی که متحمل شدند، همچنان به نبرد ادامه می دادند. آنها چترهایی از نمدر بر سر کشیده بودند و تا آنجا که می توانستند جامه و سلاح خود را در برابر باران محافظت می کردند. هنگامی که لشکر تیمور به آنها رسید، نمدها را از سر برداشتند و با آنها درآویختند.<sup>۱</sup>

امیر تیمور با سربازانش از میسره یورش آوردند، سپس میمنه دشمن را که قبیلان شنگوم نویان - برادر امیر تیمور - عهده دار آن بود شکست دادند و الیاس خواجه، از مشاهده این وضع پا به فرار گذاشت. در جناح چپ لشکر دشمن، نیز احوال به طریقی دیگر بود. آنها توانستند به جناح راست، جایی که امیر حسین بود غالب شوند. «تیلانجی» لشکریانش را حرکت داد و به امیر حسین رسانید و هر دو جناح متفرق شدند و روی به گریز نهادند و جنگ شدت گرفت و چون حاجی بیک، میمنه امیر حسین را تعقیب نمود، میراند فرهاد و اورکینه تیمور از مشاهده آن حال متحیر شدند. از آن طرف امیر شمس الدین نیز با گروهی سعی زیادی کرد. امیر تیمور به کمک او شتافت، امیر شمس الدین از ترس رو به هزیمت نهاد و امیر حسین از دیدن پیروزی امیر تیمور بسیار دلگرم شده، بار دیگر سپاه خود را جمع آوری کرد. پس از اندک زمانی امیر تیمور یکی از نوکران را پیش امیر حسین فرستاد و از او خواست که نزد او بیاید تا به اتفاق، بر دشمن حمله آورند و یکباره ارکان شوکت دشمنان را بشکنند،<sup>۲</sup> تا قوت ایستادگی و پایداری برای آنها باقی نماند. امیر حسین از این پیشنهاد سخت مغموم شد و طرح پیشنهادی امیر تیمور را رد کرد. امیر تیمور دوباره فرستادگانی را نزد امیر حسین فرستاد و

۱- نظام الدین شامی، ظفرنامه، ج ۱، ص ۲۸-۲۹؛ شرف الدین علی یزدی، ظفرنامه، ج ۱، ص ۷۹؛ حافظ ابرو، زبدة التواریخ، برگ ۲۱۹؛ میرخواند، روضة الصفا، ج ۶، صص ۳۱-۳۲؛ عبدالرزاق سمرقندی، مطلع السعدین، ص ۳۲۸، معین الدین نطنزی، منتخب التواریخ، صص ۲۲۳-۲۲۴.  
 ۲- نظام الدین شامی، ظفرنامه، ج ۱، ص ۲۹؛ شرف الدین علی یزدی، ظفرنامه، ج ۱، ص ۷۹-۸۰؛ حافظ ابرو، زبدة التواریخ، برگ ۲۱۹؛ عبدالرزاق سمرقندی، مطلع السعدین، ص ۳۲۸، میرخواند، روضة الصفا، ج ۶، صص ۳۳-۳۲؛ معین الدین نطنزی، منتخب التواریخ، ص ۲۲۴.

تأکید کرد که قبل از رفتن فرصت پیش او بیاید. اما امیرحسین فرستادگان تیمور را مورد ضرب و شتم قرار داد و گفت: «مگر من گریخته‌ام که تدبیر و سرداری من کم از سلطان غازی - امیر تیمور - است و حال من باید به گفته و فرمان او کاری انجام دهم! اگر شما و یا دشمن پیروز شوید، گمان سالم ماندن جان خود را و انتقام گرفتن از جانب مرا نبرید». فرستادگان تیمور آزرده و ناامید از نزد او بازگشتند و تیمور از سخنان آنان تجاوز نکرد و دست اهتمام باز کشید. در این زمان سپاه از دو طرف به یکدیگر رسیدند، جنگ ادامه داشت که شب فرا رسید. امیرحسین چند بار کسانی را نزد تیمور فرستاد و از او کمک خواست، ولی خاطر تیمور از عکس‌العمل امیرحسین بسیار ناراحت و ناخشنود بود. در نتیجه درخواستهای امیرحسین را رد کرد. ولی با این وجود پیغام داد که روز دیگر لشکر را آماده کند. روز بعد، سرانجام، لشکر تیمور بر دشمن غلبه کرد؛ ولی امیرشمس‌الدین با سپاهیان خود مقاومت کرد و توانست سپاه پراکنده و فراری خود را جمع‌آوری نماید و از نو بر لشکر امیر تیمور حمله آورد. لشکریان امیر تیمور و امیرحسین پس از غلبه دوباره با مقاومت امیرشمس‌الدین روبه‌رو شدند.<sup>۱</sup>

در این جنگ خونین، نزدیک به ده‌هزار نفر به هلاکت رسیدند. این حادثه در تاریخ ۷۶۲ هـ. / ۱۳۶۵ م. روی داد. امرای ترک، بار و بنه جمع کرده به جانب سمرقند و تعدادی به سوی بلخ رهسپار شدند. هنگامی که امرای فراری به «کش» رسیدند هر دو امیر قصد عبور از جیحون را داشتند. امیرحسین به امیر تیمور گفت: مصلحت آن است که ابتدا اهل خانواده و ایل، از جیحون عبور کنند، ولی امیر تیمور با گذشتن از آب، موافق نبود و به امیر حسین گفت: راضی نیستم که این ولایت را رها کنم تا به کلتی زیر پاهای بیگانگان قرار گیرد. من بار دیگر سپاهی گرد خواهم آورد و به جنگ دشمنان خواهم رفت.<sup>۲</sup>

۱- نظام‌الدین شامی، ظفرنامه، ج ۱، ص ۳۰؛ شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه، ج ۱، صص ۸۱-۸۲؛ حافظ ابرو، زبدة‌التواریخ، برگهای ۲۱۹-۲۲۰، عبدالرزاق سمرقندی، مطلع‌السعدین، صص ۳۲۸-۳۳۰؛ میرخواند، روضة‌الصفاء، ج ۶، ص ۳۳؛ معین‌الدین نطنزی، منتخب‌التواریخ، ص ۲۲۵.

۲- نظام‌الدین شامی، ظفرنامه، ج ۱، ص ۳۰؛ شرف‌الدین علی یزدی، ظفرنامه، ج ۱، ص ۸۳؛ حافظ ابرو، زبدة‌التواریخ، برگ ۲۲۰؛ میرخواند، روضة‌الاصفا، ج ۶، ص ۳۴؛ عبدالرزاق سمرقندی، مطلع‌السعدین، ص ۳۳۰؛ معین‌الدین نطنزی، منتخب‌التواریخ، ص ۲۲۵-۲۲۶.

امیرحسین از «کش» متوجه «سالی سرای» شد و چون به آنجا رسید تمام ایل و اتباع خود را از سرای کوچاند، از آب عبور داد و در محلی به نام «برکو» اقامت گزید و سخن چینیانی را برگزید تا اگر خبری مبنی بر حرکت سپاهیان جته بدین سو به دست آورند، به اطلاع او برسانند تا به جانب هندوستان رود. امیر تیمور وقتی خبر رفتن امیرحسین را از «کش» شنید به جمع آوری سپاه مشغول شد و در عرض دو سه روز، دوازده لشکر آماده نمود و خواجه اعلان و پردی و عباس بهادر را با هفت لشکر منقلای روانه سمرقند گردانید. اما در راه، پردی با نوشیدن شراب، از غایت مستی به امرای سمرقند - داوود خواجه و هندوشاه - گفت که امیر تیمور در نظر دارد شما را گرفته و پیش امیرحسین بفرستد و او نیز بدون درنگ شما را اعدام خواهد کرد.<sup>۱</sup> آنها از این سخنان، سخت به هراس افتادند. سپس رو به فرار نهاده، با سپاه خویش به جانب دشمن شتافتند. چون به محلی به نام «کونک»<sup>۲</sup> رسیدند از لشکر جته، یچک تیمور پسر اُغ طغای تیمور و شیراول و انکرچاق پسر حاجی بیک به رسم منقلای پیش آمده بودند، ایشان را پیش غجرجی شاه پسر تیمور خواجه اعلان و پاروجی و عباس آوردند و ایشان را فراری داده تمرکز و وحدت آن سپاه از هم گسیخت. امیرحسین رفتن به سمرقند را بی فایده دانست و این که امیر و لشکری در آن شهر باقی نمانده، از این رو در مقابل دشمن تیزی نمی توان جنگید و در محافظت کردن شهر هیچ اقدامی صورت نمی گیرد و در کار دولت هنوز مشکلات لاینحل باقی مانده است و تلاش نیز فایده نخواهد داشت. امیر تیمور با این فکر از رودخانه آمودریا عبور کرد و در بلخ مقیم شد و لشکر و ایل متفرق شده خود و همچنین لشکر کبک خان و لشکر اولجی یوغای سلدوز را جمع آوری نمود و جمعی را نیز برای محافظت ساحل رود قرار داد تا از نزدیک شدن دشمن، او را باخبر نمایند و خود به کارهای نظامی و لشکری سپاه مشغول شد.<sup>۳</sup>

۱- نظام الدین شامی، ظفرنامه، ج ۱، ص ۳۰؛ شرف الدین علی یزدی، ظفرنامه، ج ۱، ص ۸۳؛ حافظ ابرو، زبدة التواریخ، برگ ۲۲۰، عبدالرزاق سمرقندی، مطلع السعدین، ص ۳۰؛ میرخواند، روضة الصفا، صص ۳۵-۳۴

۲- نام این روستا اکنون کولکند شده است و در شمال شرقی شهر سمرقند واقع است.

۳- مراجعه شود به مأخذ یادداشت شماره (۱)، همان صفحات.



## نتیجه گیری

طبق نوشته‌های مورخان و نویسندگان عصر تیموریان، در این جنگ امیر تیمور و امیرحسین از لشکر الیاس خواجه شکست خورده به طرف بلخ فرار کردند. در رابطه با این جنگ چند نکته را می‌توان ذکر کرد. از نوشته‌های نظام‌الدین شامی و شرف‌الدین علی یزدی و ... برمی‌آید که در وقت جنگ، بین امیر تیمور و امیرحسین علیه الیاس خواجه توافقی عمیق نبوده است.

چنان‌که مورخان می‌نویسند، اشتباهات و شکست بیشتر بر اثر ضعف امیرحسین رخ داده است و امیر تیمور برای رفع اشتباهات، دوبار پیکه‌هایی نزد امیرحسین فرستاده و از او می‌خواهد که برخوردی قاطعانه داشته باشد و مصلحت را در این می‌بیند که به لشکرگاه دشمن به یکباره، از دو سو، هجوم برد. اما امیرحسین که خود را در هنر نبرد کمتر از امیر تیمور نمی‌دانست، مصلحت‌اندیشی وی را نپذیرفته و از سر خشم پیک وی را شکنجه می‌دهد.

چنان‌که ملاحظه شد در نبرد هماهنگ هر دو امیر علیه دشمن، هماهنگی وجود نداشته است و بسیاری از امرا و سپهسالاران در پیروزی امیرحسین و امیر تیمور شک داشتند و شک و شبه نسبت به یکدیگر و ناباوری به امیر تیمور تقریباً کل امرا را فرا گرفته بود.

در این جنگ طبق نوشته‌های مورخان زمان تیموری بر اثر خیانت امیرحسین و چند تن از امرا و فرماندهان چغتای ماوراءالنهر، پیروزی ابدایی الیاس خواجه بر امرای ماوراءالنهر میسر گردید. اما تحلیل همه‌جانبه واقعه جنگ لای و حوادث بعدی نشان می‌دهد که شکست امیرحسین و امیر تیمور، تنها بر اثر خیانت امیرحسین و سایر امراء نبوده است، بلکه این شکست، قبل از همه معلول این امر بوده که اتحاد نظامی میان امیرحسین و امیر تیمور از یک سو و اتحاد امرای چغتای ماوراءالنهر با امیر تیمور از سوی دیگر، استوار و صادقانه نبوده است.

این جنگ، چنان‌که از نوشته‌های محققان شوروی سابق برمی‌آید، یک جنگ معمولی میان مغولان کاشغر و مغولان ماوراءالنهر نبوده، بلکه از جنگهای مهم و تاریخی است. این جنگ، آخرین جنگ میان چغتایان شرقی و غربی بود که پیروزی نصیب

جفتاییان شرقی گردید. این جنگ نشان داد که امیر تیمور، با وجود تلاشهای زیاد خود، هنوز هم به امرای محلی مسلط نیست و بسیاری از آنها از اطلاعات او سر می پیچیدند. امیر تیمور از جنگ لای، علاوه بر تجربه جنگی، مطمئن شد که امیر حسین در نبرد، هرگز فرد مورد اعتمادی نمی تواند باشد و بعد از این واقعه، سیاست کلی خویش را نسبت به امیر حسین و پیمان با او، تغییر داد. تغییر جهت سیاست امیر تیمور را در مسأله همکاری با امیر حسین در سرنوشت سرداران که بعد از جنگ لای اتفاق افتاد، به روشنی می توان ملاحظه نمود.

جنگ لای نشان داد که ماوراءالنهر برای حفظ استقلال خویش، نیاز به لشکری واحد و دولتی متمرکز دارد و این نیاز را امیر تیمور، خیلی خوب احساس نمود و برای تشکیل این لشکر دست به کار شد و تلاشهای او را در این زمینه بعد از سرکوب نهضت سرداران سمرقند، می توان مشاهده نمود.

جنگ لای به طور غیر مستقیم از عظمت نهضت سرداران سمرقند حکایت داشت. یعنی همان لشکری که آن را لشکر شکن می نامیدند و از آن الیاس خواجه بود، در جنگ بر ضد سرداران شکست خورد و از سر شرمندگی، اول سمرقند و سپس ماوراءالنهر را ترک نمود و بعد از این منولهای کاشغر جرات هجوم بر ماوراءالنهر را پیدا نکردند و حملاتی که احياناً در منابع تاریخی ذکر شده است بیشتر تاخت و تازهای غارتگرانه و کوچک بوده، نه هجومی متشکل و همه جانبه به ماوراءالنهر.<sup>۱</sup>

بر این اساس می توان گفت که سرداران به احیاء و حفظ استقلال سیاسی و ملی و مذهبی ماوراءالنهر خدمت تاریخی کرده اند و پیروزی امیر تیمور به سرداران را نه به عنوان حمایت از استقلال، بلکه به عنوان تجاوز به استقلال آنها باید محسوب کرد.

همین طور جنگ لای، یک حادثه عادی نظامی نیست؛ بلکه این جنگ، جنگ مهمی است که با نهضت سرداران سمرقند، پیوندی ناگسستنی دارد. شورش سرداران سمرقند، اداره مستقیم جنگ لای است و اگر جنگ لای رخ نمی داد، راجع به نهضت سرداران سمرقند حرف زدن، کاری بس دشوار بود.

بنابراین جنگ لای را می توان مقدمه شورش مردمی سمرقند تحت رهبری سرداران به شمار آورد.

۱- راجع به اهمیت قیام سرداران سمرقند رک. لقمان بایمات اف، سرداران سمرقند، بخش ۲، صص